

آنچه باید از سوئد بیاموزیم

روند شکل‌گیری دولت رفاه و مقایسه با ایران



آذرخش

فروردین ۱۴۰۳

فهرست

| | |
|----|-----------------------------------------------------------|
| 3 | نگاهی مختصر به تاریخ سوئد |
| 4 | تاثیر جنبش‌های مردمی سوئد در سالهای ۱۸۰۰ در ایجاد رفاه |
| 5 | نگاهی خلاصه به جنبش‌های اجتماعی |
| 6 | اتحادیه‌های صنفی و نقش آنها |
| 7 | نقش و اهداف اتحادیه‌ها |
| 7 | سوئد امروز |
| 8 | احزابی که در پارلمان سوئد حضور دارند |
| 10 | احزاب راست و رودررویی با دست آوردهای رفاهی سوئد |
| 13 | نقطه عطف تاریخ سوئد به سوی جامعه‌ی مرفه |
| 14 | محدود شدن قدرت پادشاه و برقراری دموکراسی پارلمانی در سوئد |
| 18 | دولت رفاه چیست؟ |
| 21 | مقایسه خدمات رفاهی و اجتماعی در ایران و سوئد |
| 23 | آنچه که ما باید از سوئد بیاموزیم |
| 23 | ۱- دموکراسی، قدرت پارلمان و نهاد پادشاهی |
| 25 | ۲- فرهنگ رواداری، تعامل و مذاکره |
| 26 | ۳- راهکارهای مفید اجتماعی یا کسب انحصاری قدرت؟ |
| 26 | ۴- اهمیت نهادهای صنفی، مدنی و احزاب سیاسی |
| 27 | ۵- سازندگی، عمل و نتیجه‌گرایی |
| 28 | (۱) پیوست‌ها |
| 29 | فهرست منابع |

پیش گفتار

بررسی تاریخ سوئد برای ما ایرانی‌ها از جهاتی بسیار پر اهمیت و آموزنده است. این کشور تا صد سال پیش وضعیت فلاکت باری داشته است. سوئد در طول سالهای ۱۸۰۰ تا ابتدای سالهای ۱۹۰۰ یکی از فقیرترین کشورهای اروپایی محسوب می‌شد و در عین حال دچار قحطی، گرسنگی، عقب ماندگی، بیماریهای مسری هم بود. این شرایط منجر به مرگ صدها هزار نفر شد و نزدیک به یک سوم جمعیت آن روز کشور در جستجوی کار و نان به آمریکا مهاجرت کردند. جامعه سوئد چندین فاجعه‌ی بزرگ اجتماعی را تجربه کرد.

سوئد در آن زمان تحت دیکتاتوری پادشاهی قرار داشت و پادشاه سوئد با هرگونه تغییر رادیکال و انتقال قدرت به پارلمان و دادن حق رای و آزادی به شدت مخالف بود و هرگونه حرکت و اعتراض مردمی را سرکوب می‌کرد.

اکنون سوئد تبدیل به کشوری مدرن، دموکراتیک، ثروتمند و مبتنی بر رفاه عمومی شده است. اکثر گرایش‌های فکری سیاسی اعم از چپ، میانه و راست در ایران و جهان، روی این موضوع و این تجربه موفق اتفاق نظر دارند. از این رو پرداختن به ویژگی‌های تاریخی و کنونی جامعه سوئد اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

این نوشته قصد دارد از این تجارب گران‌بها بهره‌جسته و عوامل و نقطه‌عطف‌هایی که به مسیر پیشرفت و دموکراسی در سوئد منتهی شد را بررسی کرده و با بررسی اجمالی وقایع مستند تاریخی نگاهی به مسیر پیشرفت آن کشور انداخته و به پرسشی کلیدی پاسخ دهد که چگونه این کشور از فجایع و محدودیت‌ها گذر کرد و به نقطه‌ی درخشان کنونی رسید.

چه نیروهایی با چه گرایش‌هایی موتور پیشرفت و رهبر این پیشرفت‌ها بوده‌اند؟ ویژگی‌های سیاسی و ساختار سیاسی چه بوده است؟ چه حوادث و نقاط عطفی در این روند تعیین‌کننده و اثرگذار بوده‌اند؟ نظام پادشاهی سوئد در این روند چگونه عمل کرد و تعامل آن با جامعه چگونه بود؟ جناح‌های چپ، چپ‌میانه، لیبرال و راست چه نقشی در این روند بازی کرده‌اند؟ این نوشته سعی دارد به صورت خلاصه ولی مستند به این ویژگی‌ها پرداخته و تا جای ممکن بدون قضاوت یا اظهار نظر سیاسی، درس‌های مهم تاریخی را برای استفاده عملی کنش‌گران سیاسی-اجتماعی برجسته سازد ولی این به معنای توصیه به الگوبرداری از این تجارب نیست.

مقاله ابتدا با معرفی خلاصه‌ای از تاریخ سوئد شروع می‌شود و ممکن است برای تعدادی از خوانندگان ناملموس و خسته‌کننده به نظر بیاید. ولی توصیه می‌شود این مقدمه تاریخی حتما مطالعه شود تا در قسمت‌های پایانی، نتیجه‌گیری‌ها و استدلال‌ها قابل درک باشند.

نگاهی مختصر به تاریخ سوئد

سالهای پس از ۱۸۰۰ میلادی تا اوایل ۱۹۰۰، سوئد هنوز کشوری فقیر و کشاورزی بود. جمعیت سوئد در آن زمان سه و نیم میلیون نفر بود که ۸۰٪ آنها زیر خط فقر زندگی می‌کردند. این کشور دچار قحطی و بیماری‌های همه‌گیر بود. یک میلیون و سیصد هزار نفر در اثر فقر و بیکاری به عنوان نیروی کار به طور عمده به آمریکای شمالی مهاجرت کردند. به عبارتی حدود یک سوم جمعیت کشور مهاجرت کرد و این در حالیست که صدها هزار نفر در اثر بیماری‌های فراگیر مانند وبا و طاعون و... جان خود را از دست دادند. در سالهای ۱۸۰۰ میانگین طول عمر بین ۲۰ تا ۴۰ سال بود. (صفحه ۱۲، *Den osunda staden*, Sören Edvinsson). مرگ و میر در بین کودکان زیر ۱۸ سال از خانواده کارگران چندین برابر کودکان از خانواده‌های اشراف بود. ۱۸,۳ سال در مقایسه با ۳۵,۹ سال از خانواده اشراف. (صفحه ۱۸، *Den osunda staden*, Sören Edvinsson)

در ابتدای قرن نوزدهم، اقتصاد سوئد عمدتاً کشاورزی بود و تنها ۲۵٪ جمعیت در شهرها زندگی می‌کردند (۱۸۶۰ میلادی).

حکومت سوئد در آن زمان دیکتاتوری سلطنتی بود. حق رای و آزادی احزاب و تشکل‌های صنفی و آزادی سیاسی و صنفی وجود نداشت. ساعات کار را کارفرما تعیین می‌کرد. گاهی تا ۱۶ ساعت در روز می‌رسید ولی روزی حداقل ۱۲ ساعت کار کاملاً رایج بود. کودکان و زنان هم از این قاعده مستثنی نبودند. هیچ قانونی ناظر بر شرایط کار، حقوق، بیمه، درمان، بازنشستگی و آموزش نبود. اعتراض‌ها با دخالت ماموران مسلح سرکوب می‌شد. آن شرایط اسفناک به چندین شورش و قیام منجر شد و در نهایت از دل جنبش‌ها، هسته‌های اولیه‌ی تشکلات صنفی و حزبی با ترکیبی از گرایش‌های سوسیال دمکراتیک، چپ و لیبرال و چپ لیبرال به تدریج شکل گرفت. سوادآموزی توسط کلیساها انجام می‌شد. با سواد یکی از نقاط قوت سوئد بود و در مقایسه با سایر کشورهای پیشرفته اروپایی مانند انگلستان، آلمان و فرانسه وضع بهتری داشت. به طور مثال در سال ۱۸۵۰ درصد بیسوادی در سوئد فقط ۱۰٪ بوده است. در حالی که بیسوادی در اسپانیا و ایتالیا ۸۰٪، فرانسه ۴۵٪، انگلستان ۳۵٪ و آلمان و سوئیس ۲۰٪ بوده است. (صفحه ۶، *Sverige före och efter social demokratin*, Lund Universitet).

با آغاز روند صنعتی شدن سوئد و ورشکستگی و فقر دهقانان، خیل عظیم کشاورزان روستاهای خود را ترک کرده و به دنبال کار و نان به شهرها مهاجرت کرده و تبدیل به کارگر شدند. در ابتدا شرایط کارگران بسیار وخیم و غیر انسانی بود و به همین دلیل روند تحولات و پیشرفت سوئد با حرکات اعتراضی و شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری و تشکیل حزب کارگری سوسیال دمکرات سوئد گره خورد. به بیان دیگر شکل‌گیری اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری متعدد و احزاب کارگری را باید با این پیش‌زمینه و با درک نیاز آن زمان نگاه کرد. امروز خطایی رایج در اذهان عمومی شکل گرفته است که معمولاً با پیش‌انگاشت‌ها یا پارادایم‌های رایج امروز ذهن‌ها

را به خطا می‌برد، ولی سمت و سوی اتفاق‌ها و جنبش‌های کارگری آن زمان الزاما به معنای گرایش یا تعلق آن‌ها یا نگارنده این مقاله به مارکسیسم-لنینیسم نیست.

تأثیر جنبش‌های مردمی سوئد در سالهای ۱۸۰۰ در ایجاد رفاه

بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۸۰، چندین جنبش مهم در سوئد رخ داد. کارمندان و کارگران اصناف مهم به تفکیک اتحادیه‌های خود را تشکیل دادند که بعدها همگی زیر چتر (LO) به معنای اتحادیه سراسری (سازمان کشوری - Land's Organisation) متمرکز شدند. این شکل صنفی که از اتحادیه‌های مختلف کارگران تشکیل شده بود، تبدیل به یکی از قدرتمندترین نهادهای صنفی در این کشور شد و هنوز هم به عنوان بزرگترین و قوی‌ترین اتحادیه کارمندی/کارگری سوئد نقش تعیین‌کننده‌ای در روند تنظیم قوانین کار و حق و حقوق افراد شاغل و رفاه عمومی دارد. در سال ۱۹۹۰ بیش از ۸۸٪ از کل نیروی کار سوئد عضو این اتحادیه بوده‌اند که این رقم یکی از بالاترین ارقام شکل صنفی در جهان محسوب می‌شود. ولی این رقم به دلایل گوناگون به ۶۱٪ در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است. لازم به ذکر است که آمار و روند کاهش اعضا اتحادیه‌ها با کاهش امکانات اجتماعی و رفاهی در سال‌های اخیر در سوئد رابطه مستقیم دارد. به بیان دیگر هر چقدر شکل‌های صنفی و مدنی قوی و فعال‌تر بوده‌اند، امکانات رفاهی و عدالت اجتماعی و طبقاتی بیشتری در جامعه و در قانون‌گذاری‌ها مشاهده شده است.

روند تاریخ سوئد به سمت دموکراسی و رفاه به عوامل گوناگونی وابسته است. ولی برخی از مهمترین عوامل آن به شرح زیر است:

- ۱- مقاومت متداوم و گاهی شورش در مقابل بی‌عدالتی، فقر، عدم وجود امنیت شغلی و رفاهی، استثمار گسترده و سازمان یافته نیروی کار و مبارزه برای دموکراسی، کسب حق رای برای عموم و کمی دیرتر حق رای برای زنان از مهمترین مطالبات مردم سوئد است.
- ۲- تشکیل اتحادیه‌های صنفی کارمندی و کارگری و مبارزه سازمان یافته آنها در جهت کسب حقوق و مطالبات نیروی کار.
- ۳- تاسیس حزب کارگری سوسیال دموکرات سوئد که نقش رهبری‌کننده و سازمان‌دهنده مطالبات مردم را با حمایت همان تشکلهای بازی می‌کرد.
- ۴- مذاکره و توافق بین رهبران سوسیال دموکرات، چپ‌های لیبرال و شاه سوئد که در نهایت منتهی به توافق با دربار و پذیرش انتقال قدرت سیاسی شاه به پارلمان به صورت مسالمت‌آمیز شد.

نگاهی خلاصه به جنبش‌های اجتماعی

خلاصه‌ای از جنبش‌های مهم مردمی که به شکل دهی سوئد مدرن انجامیده است به شرح زیر است.

۱. **جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری:** جنبش کارگری در سوئد در طول قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به صنعتی‌سازی و تغییرات در شرایط کاری شکل گرفت. اتحادیه‌های کارگری برای دفاع از حقوق کارگران و بهبود شرایط کاری آنان تشکیل شدند. این فعالیت‌ها البته با پرداخت هزینه‌های جانی، شکنجه و زندان نیز همراه بود. (صفحه 52, *Arbetarrörelsens genombrott, Peter Sundborg*)

۲. **جنبش تعاونی:** سوئد یکی از اولین کشورهایی بود که جنبش تعاونی در آن شکل گرفت. اتحادیه‌های تعاونی، مانند فروشگاه‌های تعاونی و تعاونی‌های کشاورزی، در طول قرن نوزدهم شکل گرفتند. این تعاونی‌ها عمدتاً توسط کشاورزان و صنعتگران برای خرید و فروش کالا و خدمات به صورت مشترک ایجاد شده بودند. همچنین انجمن‌های تعاونی مصرف‌کننده و انجمن‌های تعاونی تولیدکنندگان (دهه ۱۸۴۰). در دهه ۱۸۶۰ اولین بانک‌های تعاونی در سوئد تأسیس شدند. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبش تعاونی سوئد به رشد خود ادامه داد و تعاونی‌های مسکن، تعاونی‌های بیمه و سایر انواع تعاونی‌ها تأسیس شدند.

۳. **جنبش حق رای همگانی و اصلاحات سیاسی:** در طول قرن نوزدهم، جنبش‌هایی برای اصلاحات سیاسی و حق رای همگانی شکل گرفتند. این جنبش‌ها نقش مهمی در باز کردن فضای سیاسی و ایجاد فرصت برای شرکت بیشتر مردم در سیاست ایفا کردند. جنبش حق رای همگانی با همکاری نزدیک سوسیال دموکرات‌ها و لیبرال‌ها پیروز شد. در سال ۱۸۹۶ رهبر کلیدی سوسیال دموکرات‌ها، آقای یلمار برانتینگ (*Hjalmar Branting, 1860-1925*) با حمایت و رای لیبرال‌ها و همچنین با حمایت روزنامه لیبرالی "اخبار روز" (*Dagens Nyheter*) موفق شد که به پارلمان سوئد وارد شود. (صفحه 138, *Arbetarrörelsens genombrott, Peter Sundborg*).

۴. **تشکیل احزاب سوسیالیستی، لیبرالی و محافظه کار:** حزب‌های سوسیالیستی و کارگری در طول قرن نوزدهم برای نمایندگی زحمتکشان و ایجاد اصلاحات و بهبود وضعیت آنان تشکیل شدند. این حزب‌ها نقش مرکزی در شکل‌گیری سازمان سراسری کارگری (LO) داشتند. سازماندهی و رهبری مبارزات مطالباتی مردم توسط این نهادها و احزاب انجام گرفت و به نتیجه رسید. همچنین احزاب و نیروهای لیبرال و چپ‌های لیبرال در همکاری با حزب سوسیال دموکرات در کسب حق رای همگانی و حق رای زنان نقش موثری داشته‌اند. (صفحه 141, *Arbetarrörelsens genombrott, Peter Sundborg*)

۵. جنبش حق برابری زن و مرد و حق رای برای زنان: سال ۱۸۹۳ لیبرال‌های رادیکال و سوسیال دمکرات‌ها برای ورود به پارلمان همکاری کردند. این به رغم مخالفت شدید برخی از رهبران سوسیال دمکرات و لیبرال برای همکاری در نهایت شکل گرفت و اولین دست آوردهای ملموس خود را تجربه کرد. ولی چون آن زمان فقط افراد محدودی از طبقات اعیان و اشراف امکان رای داشتند، آن ائتلاف امکان کسب اکثریت آرا را نداشت ولی همکاری آن دو گروه موفق شد برای اولین بار ۲۰ نماینده از ۱۲۳ نماینده از لیست سوسیال دمکرات‌ها انتخاب شده و خانم امیلی راتهو (*Emilie Rathou, 1862-1948*) که فعال جنبش زنان و فمینیست بود برای اولین بار یک زن در تاریخ سوئد از طرف لیبرال‌ها وارد مجلس شد. در این رای گیری ۲۵٪ از رای دهندگان زن بودند و در مجموع ۱۵۰،۰۰۰ نفر در انتخابات شرکت کردند. جنبش زنان یکی از عوامل مهم و موثر در شکل گیری جامعه رفاه و مدرن امروز سوئد است. تشکل‌های گوناگونی از سال ۱۸۸۴ برای حق رای زنان ایجاد شد. ولی در سال ۱۹۰۲ بزرگترین تشکل صنفی به نام LKPR (*Landsföreningen för Kvinnans Politiska Rösträtt*) با همکاری نویسنده و شخصیت معروفی به نام سلما لاگروف (*Selma Lagerlöf, 1858-1940*) که برنده جایزه نوبل بود ولی هنوز حق رای نداشت، با هدف کسب حق رای برای زنان تاسیس شد. این اتحادیه موفق شد ۱۷،۰۰۰ عضو جذب کند و در سال ۱۹۱۳ بیش از ۳۶۰،۰۰۰ امضا به نفع حق رای زنان جمع آوری کند. این فعالیت‌ها در نهایت در سال ۱۹۲۱ به پیروزی رسید و حق رای سیاسی و برابر حقوق زنان در سوئد تبدیل به قانون شد. جالب توجه است که در این اتحادیه گرایش‌های فکری متفاوت در کنار هم قرار گرفته بودند از جمله لیبرال‌ها، سوسیال دمکرات‌ها و چپ‌ها.

(منبع: سایت دولتی آرشیو استکهلم: <https://stockholmskallan.stockholm.se>)

و همچنین

<https://shorturl.at/qiHJQ>)

اتحادیه های صنفی و نقش آنها

قبل از LO اتحادیه‌های کارگری و کارمندی به طور جداگانه و پراکنده فعالیت می‌کردند. LO در سال ۱۸۹۸ با ادغام چندین اتحادیه کارگری و با ۲۵۰۰۰ عضو تاسیس و تبدیل به یک سازمان سراسری در سطح کشور شد.

لازم به ذکر است که حزب سوسیال دمکرات سوئد به عنوان یک نیاز اجتماعی و سیاسی از دل اتحادیه‌های کارمندی و کارگری سوئد بیرون آمد و در سال ۱۸۸۹ تاسیس شد. سپس این حزب با حمایت سایر اتحادیه‌ها، سازمان سراسری LO را به وجود آورد. در واقع تشکل‌های صنفی و حزب سوسیال دمکرات لازم و ملزوم یکدیگر بودند.

تمرکز و اهداف اصلی در مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم سوئد و احزاب و سازمانهای صنفی بر روی تغییرات اجتماعی و سیاسی بوده است. کسب قدرت سیاسی در اولویت قرار نداشته است، بلکه اولویت روی منافع قابل دسترسی کل جامعه و رسیدن به اهداف تعیین شده بوده است. این ویژگی بسیار مهمی است که باید به آن توجه ویژه داشت. با همین رویکرد نمایندگان احزاب و اصناف توانستند به مذاکره با قدرت حاکم بنشینند و پایه‌های جامعه مدرن سوئد را بنا نهند. همچنین همکاری‌های موردی بین چپ‌ها، سوسیال دمکرات‌ها و لیبرال‌ها منجر به انتخاب نمایندگانی از حزب سوسیال دمکرات و اولین نماینده زن لیبرال فیمینیست در پارلمان سوئد شد. **دمکراسی در سوئد امروز مدیون نگرش باز، نتیجه‌گرایی و انعطاف‌پذیری است.**

نقش و اهداف اتحادیه‌ها

بین سالهای ۱۸۵۰ و ۱۹۰۰ چندین اتحادیه کارگری و کارمندی شکل گرفت که اهمیت زیادی در سمت و سو دادن به دولت رفاه امروزی در سوئد داشته اند. افراد علاقمند می‌توانند به فهرست مختصری از مهمترین آنها در پایان این نوشته (پیوست‌ها) مراجعه کنند. ولی اهداف اصلی فعالیت‌های صنفی در راستای موارد زیر بوده است:

- مبارزه برای افزایش حقوق و ساعات کاری مناسب
- بهبود شرایط کار و ایمنی
- ایجاد زمینه برای تشکیلات سراسری کارگران و کارمندان (LO, Lands Organisationen)

سوئد امروز

این کشور با مساحت بیش از 450 هزار کیلومتر مربع (تقریباً یک چهارم ایران)، حدود 10 میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت دارد. پایتخت آن استکهلم است. سوئد کشوری نسبتاً سرد با تابستانهای خنک و کوتاه و زمستانهایی سرد و طولانی و تاریک است. این کشور به جز بخش کوچکی در شمال، مسطح و جنگلی است. صدهزار دریاچه آب شیرین در این کشور وجود دارد. به عبارتی هر صد نفر یک دریاچه دارند.

سوئد به لحاظ سیاسی، کشوری مرفه، دمکراتیک و در عین حال پادشاهی مشروطه با یک سیستم پارلمانی است. این کشور از نظر اقتصادی، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با سطح زندگی بالا و شاخص‌های توسعه انسانی عالی شناخته می‌شود. جامعه مدنی سوئد بسیار فعال، نیرومند و در حیات سیاسی و اجتماعی این کشور فعال و تاثیرگذار است.

نقش پادشاه اکنون نمادین و تشریفاتی شده است. به طور مثال برخی از وظایف شاه سوئد عبارت است از:

- نمایندگی تشریفاتی سوئد در سفرهای خارجی
- گشایش سالانه پارلمان
- اعطای نشان‌های افتخار
- دیدارهای تشریفاتی با شخصیت‌های خارجی

محدودیت‌های قدرت شاه:

- شاه نمی‌تواند هیچ لایحه‌ای را وتو کند.
- شاه نمی‌تواند هیچ قانونی را تصویب کند.
- شاه نمی‌تواند هیچ مقام دولتی را منصوب یا عزل کند.
- شاه نمی‌تواند در هیچ فعالیتی که به طور مستقیم با سیاست مرتبط باشد، دخالت کند.

منبع: قانون اساسی سوئد (1), § 1, *Regeringsformen (SFS 1974:152)*

بالاترین مرجع قدرت سیاسی در سوئد پارلمان است و احزاب نقش مهمی در سوئد دارند. لازم به ذکر است که تا اوائل سالهای ۱۹۰۰، و به رغم چند رفرم سیاسی، شاه هنوز قدرت برتر در سیاست کشور را دارا بود.

احزابی که در پارلمان سوئد حضور دارند

هشت حزب در پارلمان سوئد حضور دارند که دارای نماینده در پارلمان هستند. این احزاب عبارتند از:

۱- حزب سوسیال دموکرات (تاسیس ۱۸۸۹): قدیمی‌ترین و بزرگترین حزب سوئد است. دو وزیر کابینه این حزب ایرانی تبار بودند. اردلان شکرآبی وزیر تامین اجتماعی، خشایار فرمانبر وزیر انرژی و توسعه دیجیتال.

۲- حزب دموکرات‌های سوئد (تاسیس ۱۹۸۸): حزبی جدید با گرایش‌های راست پوپولیستی و گاهی نژادپرستانه.

۳- حزب مودرات‌ها (تاسیس ۱۹۰۴): موضعی محافظه‌کارانه و نزدیک به نئولیبرال‌های آمریکایی و انگلیسی دارد. البته راست افراطی به حساب نمی‌آید و به رغم اینکه نماینده بخش بزرگ خصوصی است ولی در رفاه عمومی نیز نقش‌هایی داشته است.

۴- حزب چپ (تاسیس ۱۹۱۷): این حزب متحد حزب سوسیال دموکرات است ولی بیشتر برای منافع طبقات زحمتکش پائین و متوسط فعالیت میکند. نام این حزب قبلاً حزب چپ

کمونیست بود ولی در سال ۱۹۹۰ با متعادل شدن مواضع حزب واژه کمونیست از نام این حزب حذف گردید. رهبر این حزب اکنون یک خانم جوان ایرانی تبار است معروف به نوشی دادگستر (متولد ۱۹۸۵ با نام مهرنوش دادگستر).

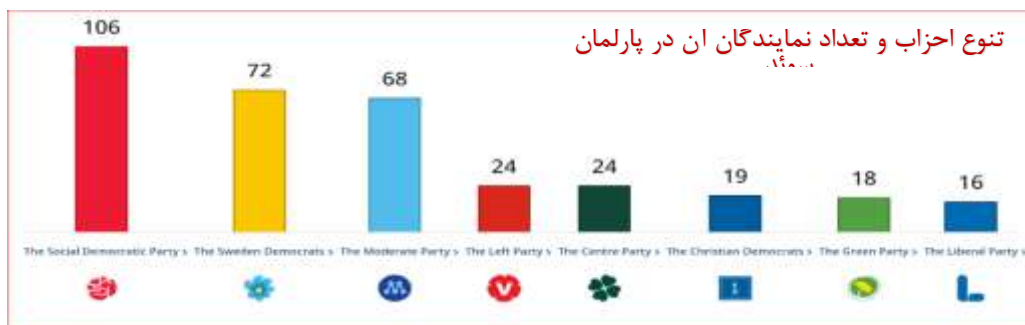
۵- **حزب مرکز (تاسیس ۱۹۰۲):** این حزب از منافع کشاورزان طرفداری کرده و بین جناح راست و چپ در نوسان است.

۶- **حزب دموکرات مسیحی (تاسیس ۱۹۶۴):** این حزب مواضع کاملاً دست راستی داشته و از متحدان مودرات‌های راستگرا است.

۷- **حزب محیط زیست (تاسیس ۱۹۸۱):** دغدغه این حزب به طور عمده مسائل محیط زیستی است این حزب از متحدان حزب سوسیال دمکرات و حزب چپ است.

۸- **حزب لیبرال (تاسیس ۱۹۳۴):** این حزب نیز به جناح راست تعلق دارد ولی مواضع لیبرالی آن غالب است. یکی از احزاب قدیمی است ولی در طول سالهای گذشته از سومین بزرگترین حزب سوئد به کوچکترین تبدیل شده است. وزیر محیط زیست سوئد از این حزب انتخاب شده و ایشان یک خانم ایرانی تبار است که جوان‌ترین وزیر کابینه سوئد نیز هست. او ۲۸ سال دارد به نام رومینا پورمختاری (تا زمان نگارش در فروردین ۲۰۲۴).

لازم به ذکر است که چندین حزب دیگر نیز در سوئد فعالیت دارند و در سپهر سیاسی این جامعه نقش بازی می‌کنند، ولی به دلیل اینکه زیر سقف ۴٪ رای دارند، در پارلمان حضور ندارند. ولی برخی از این احزاب در انتخابات محلی رای آورده و در پارلمان استانی نماینده و حضور دارند.



منبع: سایت پارلمان سوئد. <https://www.riksdagen.se/en>

تفاوت مهم دموکراسی سوئدی با کشورهایمانند آمریکا و انگلستان این است که در آن کشورها به طور عمده دو حزب وجود دارند که سالهاست قدرت بین آن دو، دست به دست می‌شود. حزبی که اکثریت آرا را به دست می‌آورد، اکثریت پارلمان را هم در اختیار دارد و در طول دوره‌ای که دولت را تشکیل می‌دهد، قدرت بلامنازع نیز دارد. در حالی که دموکراسی سوئد را میتوان با ترجمه مفهومی، **دموکراسی تناسبی (Representative Democracy)** نامید. به این معنا که تعداد احزاب موجود در پارلمان بیشتر است و طیفی از چپ، میانه و انواع راست‌ها را در بر

می‌گیرد. هر حزب به میزان رای دریافتی در پارلمان نماینده دارد و در نتیجه تمام طیف‌های اجتماعی و سیاسی در پارلمان که بالاترین قدرت سیاسی را دارد نماینده و حق رای دارند. حتی آن‌ها که در اقلیتی به طور مثال چهار درصدی قرار گرفته‌اند در پارلمان نماینده دارند و صدایشان شنیده می‌شود.

مقایسه مدل سیاسی سوئد با انگلستان و آمریکا

| سوئد | ایالات متحده | انگلستان | ویژگی |
|-----------------------------------|------------------|----------------------------|-----------------|
| پارلمانی/نماینده/پادشاهی | جمهوری/انتخاباتی | مشروطه سلطنتی/انتخاباتی | نوع دموکراسی |
| بسیار مهم | کمتر مهم | کمابیش مهم | نقش احزاب سیاسی |
| تناسبی | اکثریتی | اکثریتی | سیستم انتخاباتی |
| قوی | محدود | محدود | نقش دولت |
| قوی | ضعیف | ضعیف | رفاه اجتماعی |
| تقسیم شده بین سطوح مختلف دولت* | ملی | ملی | تمرکز قدرت |

* در سوئد عدم تمرکز سیاسی و جغرافیایی به صورت سیستم در هم تنیده‌ای عمل می‌کند که مانع تمرکز قوا در دست عده ای خاص شده و از سوی دیگر دموکراسی و انعکاس خواست‌های مردمی در سطوح جغرافیایی کوچک را بازتاب داده و قدرت تصمیم‌گیری در امور استانی و محلی را به نمایندگان محلی واگذار می‌کند. این نهادهای محلی به شکل سه گانه کمون، شورای استان و پارلمان، و متناظر آن شهرداری، استانداری و دولت نماد پیدا کرده و سیستم دموکراتیک و کنترل موثری را در مقابل تمرکز قدرت ایجاد می‌کند. در عین اینکه خواست و اراده محلی را نیز از کانال‌های رسمی قدرت قانونی اعمال می‌کند.

(برگرفته از: عدم تمرکز قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ساختار گرداندگی کشور سوئد، احد قربانی دهناری)

احزاب راست و رودررویی با دست آوردهای رفاهی سوئد

به جرات می‌توان ادعا کرد سوئد مدرن امروزی یکی از نمونه‌های برجسته و موفق در جهان به شمار می‌رود. این کشور از دل فقر، قحطی، مرگ و میر میلیونی، مهاجرت بیش از یک سوم کل جمعیت به دلیل شرایط بسیار دشوار بیرون آمد. رهبری هوشمندانه این تغییرات مدیون سالهای طولانی مبارزه و فعالیت مشترک حزب سوسیال دموکرات سوئد، اتحادیه‌های کارگری/کارمندی و نیروهای لیبرال در اتحادیه‌های کارگری و گاهی در درون جنبش سوسیال دموکراتیک بوده است. موثرترین چهره سوسیال دموکرات آن زمان یلمار برانتینگ بود که از موسسین حزب

سوسیال دمکرات نیز بود. ولی او برخلاف بعضی از دوستان هم رزمش که در تاسیس حزب سوسیال دمکرات با او همگام بودند (از جمله آگوست پالم و اکسل دانیلسون)، معتقد به همکاری وسیع با لیبرالها بود و از گرایش‌های تند و چپ روانه‌ی سوسیال دمکرات‌های آن زمان که به مارکسیسم-لنینیسم، انقلاب و حذف طبقاتی و تضاد آنتاگونیستی گرایش داشتند فاصله داشت. البته برخی از نیروهای لیبرال نیز با همکاری با سوسیال دمکرات‌ها مخالف بودند و آنها را کمونیست قلمداد می‌کردند. ولی در نهایت فرهنگ همکاری و نتیجه‌گرایی در جهت منافع عموم جامعه، بر اختلافات نظری بین گروه‌ها چیره شد و نتایج چشمگیری به دست آمد.

(صفحه 142, *Arbetarrörelsens genombrott, Peter Sundborg*)

پیشنهادات و لوایحی که در جهت رفاه عمومی و عدالت اجتماعی توسط سوسیال دمکرات‌ها به مجلس آورده می‌شد، در ابتدای سالهای ۱۹۰۰ که هنوز سامانه پادشاهی در قدرت بود، در اکثر موارد با مخالفت نهاد پادشاهی و سپس در سالهای بعد با مخالفت احزاب راست و گاهی میانه روبرو می‌شد. برای شناخت دقیق تر و قابل درک از دیدگاه سوسیال دمکراسی لیبرالیستی اینک نگاهی می‌اندازیم به گزیده‌ای از مهمترین اقدامات انجام شده.

قوانین زیر با تلاش سوسیال دمکرات‌ها، چپ‌ها و با حمایت اتحادیه‌های

کارگری/کارمندی و بعضی از لیبرال-دمکرات‌ها تصویب شده است.

| قوانینی که به تصویب رسیده اند | |
|-------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۹۷۴ | حق مرخصی برای تحصیلات |
| ۱۹۷۴ | حق مرخصی برای فعالیت‌های مرتبط با اتحادیه کارگری. این مرخصی شامل جلسات و کلاس‌های آموزشی نیز می‌شود. مرخصی با پرداخت حقوق همراه است که توسط اتحادیه پرداخت می‌گردد. |
| ۱۹۷۶ | قانون MBL شامل موارد زیر است: ۱- حق اطلاع و مذاکره: کارمندان/کارگران یا اتحادیه آنها حق دارند از وضعیت، برنامه و تصمیم‌های مهم شرکت مربوط به شرایط کار و حقوق مطلع باشند و در مورد آن با کارفرما مذاکره کرده و به توافق برسند. ۲- حق نظارت: نماینده کارگران میتوانند در هیئت مدیره شرکت کرده و از تصمیم‌های هیئت مدیره مطلع شده و در بحث‌ها شرکت کنند. |

| | |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| | ۳- حق قرارداد جمعی: کارگران یا اتحادیه آنها حق دارند در تنظیم قراردادهای جمعی دستمزد، ساعات کاری، محیط کار و سایر شرایط استخدام مشارکت کنند. |
| ۱۹۷۷ | قانون محیط کار: حقوق و قوانین مربوط به سلامت و رفاه در محیط کار، خطرات و امنیت کاری. |
| ۱۹۷۷ | قانون مرخصی: حق مرخصی با پرداخت حقوق به مدت ۲۵ روز کاری یا پنج هفته در سال و همچنین چهار هفته پشت سر هم در فصل تابستان. |
| ۱۹۸۲ | قانون ساعات کار: به طورمثال ۴۰ ساعت کار در هفته و حداقل ۱۱ ساعت استراحت پیوسته در روز برای کارهای شیفتی. |
| ۱۹۸۲ | قانون محافظت از کارمند: طبق این قانون کارفرما نمی‌تواند کارمند خود را اخراج کند مگر طبق شرایط خاصی که قانون مشخص میکند. |
| ۲۰۰۸ | قانون تبعیض: طبق این قانون کارفرما قادر به اعمال تبعیض نژادی، جنسیتی یا سنی نیست. |

این قوانین بسیار مهم که سوئد را وارد دوران نوین خود کرد و موجب پیشرفت، رفاه و تعالی جامعه شد همگی با تلاش نیروهای چپ، سوسیال دمکرات و در مواردی با حمایت لیبرال دمکرات‌ها در روند مبارزه‌ای طولانی و با حمایت اتحادیه‌های کارمندان/کارگران به سرانجام رسید. مشابه این روند در سایر کشورهای جهان نیز به اشکال گوناگون اتفاق افتاده است.

اینک نگاهی بیندازیم به قوانینی که سوسیال دمکرات‌ها تنظیم و به تصویب پارلمان رسانده‌اند. اینها در واقع همان قوانینی هستند که سوئد را از کشوری عقب مانده و فقیر به کشوری مدرن، مرفه و با عدالت اجتماعی زبان زد و دمکراتیک تبدیل کرد. جالب توجه اینجاست که تمام این قوانین با مخالفت و رای منفی احزاب راست و راست‌های دمکرات مسیحی در پارلمان روبرو شده است.

| فهرست مخالفت‌های احزاب جناح راست با تدوین قوانین مترقی سوئد | |
|-------------------------------------------------------------|-------------------------------------------|
| ۱۹۰۴-۱۹۱۸ | مخالفت با حق رای عمومی |
| ۱۹۱۶ | مخالفت با بیمه حوادث در سر کار |
| ۱۹۱۹ | مخالفت با اولین قانون هشت ساعت کار در روز |
| ۱۹۱۹ | مخالفت با قانون حق رای زنان |

| | |
|------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۹۲۳ | مخالفت با بسط قانون ۸ ساعت کار در روز که شامل مرخصی با حقوق و قوانین استخدام و اخراج هم می‌شد. این قوانین بسط قوانین اولیه در سال ۱۹۱۹ بود. |
| ۱۹۳۱ | مخالفت با صندوق بیمه بیماری |
| ۱۹۳۴ | مخالفت با صندوق بیکاری (پرداخت حقوق طی یک سال در صورت بیکار شدن) |
| ۱۹۳۵ | مخالفت با افزایش میزان حقوق بازنشستگی |
| ۱۹۳۸ | مخالفت با حق دو هفته مرخصی در سال |
| ۱۹۴۶ | مخالفت با بیمه خدمات درمانی همگانی |
| ۱۹۴۷ | مخالفت حزب راست (مودرات) با قانون کمک هزینه به کودک |
| ۱۹۵۱ | مخالفت با سه هفته مرخصی در سال |
| ۱۹۵۳ | مخالفت با خدمات پزشکی رایگان |
| ۱۹۵۹ | مخالفت با حق بازنشستگی |
| ۱۹۷۰ | مخالفت با چهار هفته مرخصی در سال |
| ۱۹۷۳ | مخالفت با حق بازنشستگی پیش از موعد در سن ۶۳ سالگی |
| ۱۹۷۶ | مخالفت با هفته پنجم مرخصی سالیانه |

البته لازم به یادآوری است که پس از تصویب این قوانین و حمایت و استقبال جامعه، احزاب راست میانه و لیبرالها نیز، به رغم مخالفت اولیه، بسیاری از این دستاوردها را امروزه در برنامه‌های خود گنجانده‌اند. اگرچه ممکن است نوع نگاه، یا مدل اجرای برنامه‌ها با نظرات بلوک چپ یکسان نباشد یا حتی از سر اجبار باشد.

نقطه عطف تاریخ سوئد به سوی جامعه‌ی مرفه

تاریخ مدرنیته شدن، بسط دموکراسی، برابری زن و مرد، حق رای ابتدا به مردها و سپس به زنها به عنوان انسان‌های برابر حقوق، قوانین کار و رفاه عمومی همگی هم زمان، به تدریج و متناسب با کاهش قدرت پادشاه و انتقال قدرت به پارلمان صورت گرفته است. نقطه عطف تاریخ سوئد که آن را از کشوری فقیر و عقب مانده به سمت رفاه و دموکراسی تبدیل کرد را می‌توان سال ۱۹۱۸ عنوان کرد.

قیام‌های مردمی با شعارهای معروف آن زمان؛ "نان، کار و آزادی" و "حق رای همگانی و انتخاب نماینده‌های مردم"، مدتها به اشکال مختلف شروع شده بود و جامعه سوئد را ملتهب و دوپاره ساخته بود. در سال ۱۹۱۷ شورش در منطقه فقیرنشین استکهلم به نام سودرمالم (Södermalm) برای حق نان و حق رای شروع شد. پادشاه سوئد به نام گوستاو پنجم حاضر

به عقب نشینی نشد و حق رای را به رسمیت نشناخت. این شورش با حمایت گسترده‌ای در سراسر کشور برخوردار شد و حدود نیم میلیون نفر از سراسر کشور در همبستگی با آن شرکت کردند. اعتراضات تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت. اعتراضات با سرکوب توسط نیروی مسلح و کشته شدن چندین نفر و دستگیری نسبتاً گسترده همراه گردید. گستردگی اعتراضات و هم‌زمانی آن با انقلاب اکتبر روسیه، پادشاه سوئد را به هراس انداخت که مبادا تاج و تخت خود را به طور کامل از دست دهد. رهبران سیاسی با گرایش‌های لیبرالی، چپ و به طور عمده سوسیال دمکرات به رهبری آقای *یلمار برانتینگ* که از رهبران جنبش سوسیال دمکراسی سوئد بود از فرصت استفاده کرده و برای انتقال قدرت سیاسی شاه به پارلمان با شاه وارد مذاکره شدند. پادشاه سوئد که متوجه فشار و تهدید شده بود توافق می‌کند مقامش در حد تشریفاتی کاهش یابد. بدین گونه و با هوشمندی هر دو سوی مذاکره، تاج و تخت پادشاه سوئد تا امروز حفظ می‌شود و جامعه نیز از آسیب شورش، انقلاب و از هم گسیختگی در امان می‌ماند.

از آن پس، قدرت شاه به پارلمان منتقل می‌شود. این یکی از نقاط عطف تاریخ سوئد است که رهبران سوسیال دمکرات و لیبرال‌های رادیکال فرصت یافته و قوانین رفاه عمومی و دمکراسی را به تدریج مدون کرده و با نهادینه کردن آنها در چارچوب قانون و با حمایت پارلمان در کشور جاری می‌سازند. خلاصه‌ای از روند تحول و حرکت به سوی جامعه دمکراتیک و مدرن در نقاط عطف زیرین قابل ردیابی است.

محدود شدن قدرت پادشاه و برقراری دمکراسی پارلمانی در سوئد

محدود شدن قدرت پادشاه و استقرار تدریجی دمکراسی و انتقال قدرت به پارلمان در سوئد، روندی طولانی و تدریجی بوده است. این انتقال به شکوفایی اقتصادی، رفاه، دمکراسی و ثبات سیاسی و اجتماعی در جامعه انجامید. در زیر گزیده‌ای از مهم‌ترین اتفاقاتها را مرور می‌کنیم.

۱۷۱۹-۱۷۱۸: تاسیس مجلس: با تصویب قانون اساسی جدید، قدرت مطلق پادشاه کمی محدود شد و مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذاری تاسیس شد. البته این مجلس تحت نفوذ دربار بود ولی نطفه‌ی نظام سیاسی دوران آزادی در اینجا بسته شد.

1772: کودتای گوستاو سوم: گوستاو سوم با کودتا قدرت را به دست گرفت و سلطنت مطلقه را مجدداً به کشور بازگرداند.

1809: کودتا علیه گوستاو چهارم: پس از شکست در جنگ با روسیه، گوستاو چهارم از سلطنت خلع شد و قدرت پادشاه دوباره محدود شد. در قانون گذاری ۶ ژوئن سال ۱۸۰۹ استبداد سلطنتی لغو شد، قدرت بیشتری به پارلمان واگذار گردید و ایده اصلی این بود که پادشاه و پارلمان قدرت را به اشتراک بگذارند. از سال ۱۹۳۸ این روز به نام روز ملی سوئد جشن گرفته می‌شود.

1866: اصلاحات پارلمانی: با تصویب اصلاحات پارلمانی، حق رای مردان به طور قابل توجهی گسترش یافت و قدرت مجلس افزایش یافت. البته محدودیت سنی و طبقاتی برای رای دادن هنوز وجود داشت. تا سال های ۱۸۹۰ تنها ۶٪ از جمعیت کشور که شامل ۲۸۸۰۰۰ نفر می‌شد حق رای داشتند. (منبع مرکز آمار سوئد: <https://www.scb.se/en>) در واقع فقط سرمایه‌دارها، اعیان، اشراف درباری و کشاورزان صاحب زمین که درآمدشان بیش از ۸۰۰ کرون در سال بود و مرد بودند می‌توانستند رای دهند. (آن زمان ۸۰۰ کرون مبلغ زیادی محسوب می‌شد. حقوق سالانه کارمند یا کارگر هرگز به مرز ۸۰۰ کرون نزدیک هم نمی‌شد) زن ها حق رای نداشتند. در سال ۱۸۹۰ جنبش بزرگی توسط لیبرال‌ها برای حق رای همگانی به راه افتاد. اتحادیه‌ی حق رای همگانی توسط نماینده لیبرال مجلس به نام یولیوس مانکل (*Julius Mankell, 1828, 1897*) تاسیس شد. پیشنهاد آنها کاهش مرز درآمد سالیانه به ۵۰۰ کرون برای کسب حق رای بود. سوسیال دمکرات‌ها با حق رای همگان موافق بودند و با گذاشتن مرز درآمد برای حق رای مخالفت داشتند. ولی به رغم اختلاف نظرشان با لیبرال‌ها توافق کرده و در سازماندهی اعتصاب‌های عمومی و اعتراض برای کسب حق رای با آنها مشارکت کردند.

(منبع: صفحه ۱۴۰ کتاب *Arbetarrörelsen genombrott, Peter Sundborg*)

این همکاری به موفقیت‌هایی در این زمینه رسید و نمونه درخشانی است از همکاری جریان‌های سیاسی متفاوت و حتی رقیب بر سر موضوعی مشترک که به نفع کل جامعه تمام شد.

۱۹۰۶: توافق دسامبر (Decemberkompromissen): پس از سال‌ها اختلاف و درگیری بین اتحادیه‌ی کارفرمایان (*SAF, Svenska arbetsgivarförningen*) و اتحادیه سراسری کارگران (*LO (Lands organisation)*) در ماه دسامبر ۱۹۰۶ توافق بسیار مهمی حاصل شد که اثرات آن هنوز هم در جامعه سوئد به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم امنیت کاری، رفاه، حقوق متناسب مشهود است. این قرارداد پایانی صلح آمیز بر اختلافات بین کارگر و کارفرما بود که با مدل مسالمت آمیز سوئدی به نتیجه رسید. با این قرارداد فضای کاری و روند تولید در این کشور مستحکم و پایدار گردید. حقوق کارگران افزایش یافت و متناسب با هزینه‌های زندگی شد و شرایط کاری نیز بهبود یافت. این قرارداد یکی از پایه‌های مهم مدل رفاه در جامعه سوئد امروزی است.

1917-1921: اصلاحات حق رای: حق رای زنان در سال 1917 به طور کامل به رسمیت شناخته شد و در سال 1921 حق رای برای تمام افراد بالای 23 سال به طور مساوی اعطا شد.

1974: اصلاحات پارلمانی: با تصویب اصلاحات پارلمانی، قدرت نخست وزیر و دولت افزایش یافت و قدرت پادشاه که قبلاً به صورت عملی از بین رفته بود، این بار به صورت قانونی و رسمی و توسط نظام پارلمانی در قانون اساسی درج شد.

لغو قانون اعدام: تا سالهای ۱۸۰۰ اعدام در سوئد مرسوم بود. ابتدا در سال ۱۹۲۱ قانون اعدام در زمان صلح لغو شد. در سال ۱۹۷۲ قانون اعدام به طور کلی در زمان صلح و جنگ لغو گردید. آخرین حکم اعدام سوئد در سال ۱۹۱۰ اجرا گردید.

قانون آزادی بیان و عقیده: آزادی بیان و عقیده در سوئد، روندی تدریجی و طولانی دارد. اولین قوانین در این حوزه سال ۱۷۶۶ به نام مقررات آزادی بیان (*Tryckfrihetsförordningen*) در زمان رفرم‌های گوستاو سوم وضع گردید و پایه‌ای برای نهادینه شدن فرهنگ آزادی و گسترش تدریجی آن در سوئد شد.

قانون اساسی آزادی بیان سال ۱۹۴۹: این قانون جایگزین مقررات فوق گردید و آزادی بیان را در رسانه های جدید مانند رادیو، تلویزیون و نشریات تضمین کرد.

منابع برای موارد فوق:

سایت رسمی مجلس سوئد www.riksdagen.se

وبسایت آرشیو دولتی سوئد: <https://riksarkivet.se>

همچنین رجوع کنید به: <https://www.riksdagen.se/sv/aktuellt/regeringsformen-50-ar>

امروز جامعه‌ی سوئد میراث‌دار دست آوردهایی است که مردم سوئد در طول بیش از صد و پنجاه سال مبارزه به دست آورده‌اند. رهبری هوشمندانه سوسیال دموکرات‌ها و فرهنگ مذاکره به جای اعمال سرکوب و خشونت از سویی و از سوی دیگر تمرکز فعالیت‌های سیاسی بر ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی به صورت واقع بینانه و نتیجه گرایانه گذاشته شده بود و هدف فقط بر سر کسب قدرت سیاسی نبوده است. اکنون مشاهده می‌کنیم که این رویکرد هوشمندانه ثمر داده و امروز امکانات و رفاه سوئد بدون منابع طبیعی بزرگی مانند نفت و گاز و طلا و... را به یکی از پنج کشور برتر جهان تبدیل کرده است. تولید ناخالص ملی به ازای هر نفر حدود ۵۶۰۰۰ دلار است و متوسط درآمد سالیانه هر فرد، ۴۳۰٪ (چهارصدوسی درصد) متوسط جهانی است.

تحصیلات در تمام سطوح از دبستان تا مقطع ارشد مجانی است و مقطع دکترا شغل محسوب شده و شامل حقوق نیز می‌شود. بسیاری از رشته‌های فنی یا حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار، نه تنها مجانی است بلکه شامل پرداخت بلاعوض کمک هزینه نیز می‌شود. بیمه خدمات درمانی

برای کلیه شهروندان به صورت یکسان وجود دارد. در تمام نقاط کشور کتابخانه‌های مجهز و مجانی وجود دارند. مسئولیت آموزش و حتی تغذیه کودکان از مهد کودک، پیش دبستان و مدارس تا مقطع دیپلم به عهده دولت است. دموکراسی به آزادی نشر و بیان محدود نمی‌شود، بلکه پیش نیاز دموکراسی دسترسی آزادانه و شفاف به اطلاعات است از جمله حق دسترسی عمومی به تصمیم‌های دولت محلی (کمون)، دولت و پارلمان و اسناد مربوطه که در این کشور حقی قانونی و شفاف شده است.

منبع: *Offentlighets- och sekretesslagen (2009:400)* (قانون شفافیت و محرمانگی (2009:400))

در ذهن مردم، دولت و نهادهای دولتی به عنوان خدمتگزار شناخته می‌شوند و در واقع آنها باید به مردم پاسخگو باشند و نه برعکس آن چه که امروز و حتی قبل از انقلاب در ایران رایج بود. آموزش مدارس بر پایه سیاست استقلال فکر و ذهن و خودانگیختگی و پژوهش و تحلیل فردی استوار است. برعکس سیستم آموزشی در ایران قبل و بعد از انقلاب که به تکرار طوطی وار و حفظ کردنیهای غیرکاربردی ختم می‌شد و هنوز هم می‌شود.

دولت رفاه چیست؟

دولت رفاه سوئد مدلی اجتماعی است که بر پایه برابری، همبستگی و تامین اجتماعی بنا شده است. این مدل از راه گرفتن مالیات متناسب با درآمد، منابع لازم را تهیه کرده و خدمات و رفاه عمومی را به صورت یکسان به کلیه شهروندان صرف نظر از میزان درآمد یا محل جغرافیایی آنها ارائه می‌کند.

وبسایت دولت سوئد وظیفه وزارت امور اجتماعی (Socialdepartementet) را چنین تعریف می‌کند: وزارت امور اجتماعی مسئول موضوع‌های مربوط به رفاه اجتماعی جامعه است، از جمله بهداشت عمومی، مراقبت پزشکی و مراقبت از سالمندان. این وزارتخانه وظیفه دارد تا افراد در هنگام بیماری، پیری یا وقتی کودکان کوچک هستند، از نظر مالی ایمن باشند. مسائل مربوط به مراقبت فردی و خانواده، پشتیبانی از افراد دارای معلولیت و مراقبت از سالمندان نیز از مسئولیت‌های آنهاست. علاوه بر این، وزارت اجتماعی وظیفه دارد و پاسخگوی حق و حقوق افراد دارای معلولیت و همچنین امور و حقوق بازمانده‌های است. موضوع‌هایی مانند ورزش، سیاست جوانان، جامعه مدنی، ادیان و امور دفن نیز از دیگر مسئولیت‌های این وزارتخانه است.

منبع سایت رسمی دولت سوئد: <https://www.regeringen.se/sveriges-regering/socialdepartementet/>

میزان خدمات رفاهی سوئد پس از سالهای ۱۹۸۰ به تدریج رو به کاهش نهاده و جامعه شاهد چرخش به راست در سیاست شده است. اگرچه دولت رفاه در سوئد هنوز جزو برترین‌ها در جهان محسوب می‌شود ولی در مقایسه با سی سال پیش خود، روند نزولی داشته است.

منبع: صفحه ۱۷: فرجام سوسیال دموکراسی و دولت رفاه، یوران ترپورن.

چرایی و چگونگی این روند، تغییرات طبقاتی و کاهش چشمگیر تعداد کارگران، رشد طبقه متوسط و برخی تغییرات مفهومی در تعریف طبقاتی اکنون موضوع این مقاله نیست ولی می‌تواند موضوع مقاله‌ای جداگانه باشد. در این قسمت نگاه مختصری به تعریف دولت رفاه انداخته و با تکیه به آمار و ارقام به آن می‌پردازیم. تا جای ممکن سعی شده است که مقایسه بین سوئد و ایران هم صورت گیرد تا درک روشن‌تری از مدیریت امکانات، ثروت اجتماعی، نقش مالیات و توزیع خدمات یکسان رفاه و خدمات اجتماعی به طور مشخص و واقعی به دست بیاوریم.

دو جدول زیر ابتدا مقایسه آماری ثروت و رفاه اجتماعی بین دو کشور ایران و سوئد را نشان می‌دهد و در جدول بعدی مهمترین امکانات رفاه اجتماعی در ایران و سوئد توضیح داده می‌شود.

مقایسه آماری دولت رفاه در ایران و سوئد

| منبع | سوئد | ایران | موضوع |
|----------------------------------------------------------------------|-------------------------|-------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| چشم انداز اقتصادی | | | |
| OECD, 2023 (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) | 53.8%, GDP | 14.7%, GDP | نسبت هزینه های رفاهی به GDP |
| OECD, 2023 | GDP 40.2% | GDP 8.3% | نرخ مالیات |
| UNDP, 2022 | 0.802 رتبه ۷ در جهان | 0.947 رتبه ۸۰ در جهان | شاخص توسعه انسانی |
| www.countryeconomy.com | \$593 | \$346.5 | تولید ناخالص ملی سالانه/میلیارد دلار (GDP) |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | \$56,356 | \$4,084 | به ازای نفر در سال GDP |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 7,465 | -12,209 | تراز بودجه/میلیون دلار |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 189 (2023) | 220 (2023) | بودجه دولت (میلیارد دلار) |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 35% (2023) | 14% (2023) | سهم بودجه در تولید ناخالص داخلی (درصد) |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 0 | 159.3 میلیارد بشکه. مقام ۴ جهان | حجم ذخایر نفتی |
| خبرگزاری ایرنا | 0 | 43.5 میلیارد دلار | درآمد نفت و گاز/میلیارد دلار در سال |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 0 | 33.8 تریلیون مترمکعب. مقام دوم جهان پس از روسیه | حجم ذخایر گازی |
| چشم انداز تجاری | | | |
| www.countryeconomy.com | \$198,247.9M | \$72,344.8M | صادرات |
| www.countryeconomy.com | 33.43% | 25.02% | نسبت صادرات به GDP |
| www.countryeconomy.com | \$192,964.0M | \$48,977.4M | واردات |
| www.countryeconomy.com | 32.54% | 16.94% | نسبت واردات به GDP |
| www.countryeconomy.com | رده ۱۰ در جهان | رده ۱۲۷ در جهان | سهولت در فعالیت تجاری |
| چشم انداز نظامی | | | |
| موسسه بین المللی مطالعات صلح استکهلم، SIPRI | 7,2 | 13.5 | هزینه های نظامی سال ۲۰۲۳ /میلیارد دلار |
| تخمین موسسه بین المللی مطالعات صلح استکهلم، SIPRI | 7.6 | 20.5 | تخمین کل هزینه های نظامی. سال ۲۰۲۳ /میلیارد دلار (توضیح: آمار در بسیاری از حوزه ها در ایران محرمانه یا دستکاری شده است.. ضمناً برخی از هزینه های نظامی در ایران به نام های گوناگون و تحت نام نهادهای مذهبی و تبلیغاتی انجام می شود. به این دلایل آمار واقعی قابل دسترسی نیست). |

| چشم انداز رفاه اجتماعی | | | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|------------------------------------------|-----------------------------------------------------------|
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 9 (2021) | 122 (2021) | شاخص توسعه انسانی (رتبه) |
| www.imf.org صندوق بین المللی پول | 4 (2022) | 178 (2022) | شاخص فساد (رتبه ۱ به معنای بهترین) |
| www.worlddata.info | 85 | 24 | شاخص ثبات سیاسی (۱ پایین ترین) |
| www.worlddata.info | 99 | 12 | شاخص حقوق شهروندی (۱ پایین ترین) |
| | 15.3 مگاوات | 3.6 مگاوات | میزان تولید انرژی/به ازای هر ۱۰۰۰ نفر |
| چشم انداز بهداشت و درمان | | | |
| Wikipedia, 2024 | 2.4 | 0.2 | تعداد تخت بیمارستان به ازای هر هزار نفر |
| www.worlddata.info | 86 | 55 | شاخص سلامت (۱ پایین ترین) |
| WHO 2023 | 83.1 | 73.88 | متوسط عمر |
| World Bank | 11.2% | 5.9% | سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از تولید ناخالص داخلی (درصد) |
| World Bank | 4.2 | 1.7 | تعداد پزشک به ازای هر 1000 نفر |
| https://dolat.ir | 1700 دلار/نفر و مجموعاً 17 میلیارد دلار در سال | 0.07 دلار/نفر یا 6.1 میلیارد دلار در سال | هزینه های دولتی در حوزه بهداشت و درمان به میلیارد دلار |
| www.worlddata.info | 3.2 | 7 | میزان تولید CO2 به ازای هر هزار نفر/تن |
| چشم انداز آموزش و فرهنگ | | | |
| سازمان اسناد و کتابخانه های ایران اتحادیه کتابخانه های سوئد | 7839 | 2243 | تعداد کتابخانه ها |
| سازمان اسناد و کتابخانه های ایران اتحادیه کتابخانه های سوئد | 65.7 ۲۹۸ برابر ایران! | 0.22 | بودجه کتابخانه های کشور/میلیون دلار |
| لازم به ذکر است که بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور عمده به سازمانهای تبلیغات اسلامی اختصاص می یابد که بسیاری از آنها سازمانهای صوری و پوششی برای صادرات انقلاب اسلامی است و ارتباطی با فرهنگ و هنر ایرانی ندارد. | 20 میلیارد دلار به عبارتی ۲۰۰ برابر ایران! | 100 میلیون دلار | بودجه وزارت فرهنگ |
| مرکز آمار ایران و مرکز آمار سوئد | 80% | 30% | نرخ اشتغال بعد از فارغ التحصیلی |
| گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۳ | 15 میلیارد دلار برای ده میلیون نفر جمعیت. | 2.5 میلیارد دلار برای ۸۵ میلیون جمعیت | بودجه تحصیلات به میلیارد دلار |

| مقایسه خدمات رفاهی و اجتماعی در ایران و سوئد | | |
|----------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| موضوع | ایران | سوئد |
| آموزش و تحصیلات | تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس دولتی رایگان است. دانشگاه های دولتی مجانی ولی دانشگاههای آزاد و مدارس ملی شهریه پرداخت می شود. | تحصیلات در تمام مقاطع مجانی است. ناهار در مدارس تا مقطع دبیرم نیز مجانی است. |
| خدمات بهداشت و درمان | بیمه خدمات درمانی فقط درصدی از مخارج دارو و درمان را برای افرادی که بیمه هستند می پردازد. افرادی که بیمه نیستند تمام هزینه ها را پرداخت می کنند. | خدمات بهداشتی و درمانی برای همه شهروندان رایگان است. دندانپزشکی هزینه دارد. ولی سقفی تعیین شده که در صورت رد کردن آن مرز، توسط دولت پرداخت می گردد. |
| کودکان و دوره بارداری | مرخصی والدین با حقوق برای ۹ ماه ارائه میشود. مهد کودکها شهریه ای هستند. | مرخصی والدین با حقوق برای ۴۸۰ روز (۱۶ ماه) ارائه میشود. مهد کودکها در تمام نقاط کشور با یک استاندارد وجود دارد و هزینه آن متناسب با درآمد خانواده محاسبه شده و متغیر است. |
| سالمندان | مراقبت از سالمندان در مراکز خصوصی و با پرداخت هزینه صورت میگیرد. | مراقبت های طولانی برای سالمندانی که به کمک نیاز دارند به طور کامل توسط دولت پرداخت میشود. هزینه پرستاری و تامین پرستار نیز به عهده دولت است. |
| بازنشستگی | حقوق بازنشستگی فقط به افراد شاغلی که بیمه شده باشند تعلق میگیرد. سایر افراد از حق بازنشستگی محروم هستند. طبق مرکز آمار ایران ۳۰٪ از خانوارهای ایرانی هیچگونه پوشش بیمه ندارند. طبق گزارش سال ۱۴۰۱ صندوق بازنشستگی کشور بیش از ۵۰٪ سالمندان بیمه بازنشستگی ندارند و باید تا آخر عمرشان برای امرار معاش کار کنند. منبع: فرهیختگان https://shorturl.at/glnHJ | حق بازنشستگی برای کلیه شهروندان است ولی میزان حقوق و سالهای خدمت نیز در مبلغ بازنشستگی تاثیرگذار است. چنانچه حق بازنشستگی مخارجی مانند اجاره خانه را پوشش ندهد، دولت مابه التفاوت را میپردازد. سن بازنشستگی به شکل ثابت ۶۷ سال است و سالهای خدمت تعیین کننده نیست. |
| کتابخانه | کتابخانه های ایران از مشکل کمبود بودجه به شدت رنج میبرند. بسیاری از کتابخانه های ایران فاقد پرسنل کافی، ساختمان مناسب، نور و تهویه مناسب و سایر شرایط اولیه لازم است. | 7839 کتابخانه مجهز در سراسر و تقریباً در تمام شهرهای سوئد وجود دارد. تعدادی از آنها تخصصی هستند و خدمات کتابخانه ها کاملاً رایگان است. سفارش هر نوع کتاب و مجله به هر زبانی نیز شامل خدمات رایگان میشود. محل کتابخانه ها برای تفریحات و آموزش کودکان تجهیز شده است. کتابخانه های سوئد پربازدیدترین نقاط در شهرها و شهرکها به حساب می آیند. منبع: اتحادیه کتابخانه های سوئد www.biblioteksforeningen.se |
| بورسیه | محدود | گسترده |
| کمک هزینه و وام تحصیلی | بسیار محدود | کاملاً رایج در تمام مقاطع تحصیلی |

کشور سوئد برخلاف ایران فاقد منابع سرشار و ثروتهای طبیعی است. حتی کشاورزی نیز به رغم آب فراوان با چالش های جدی آب و هوایی و خاک اسیدی روبروست. ولی تولید ناخالص ملی آن نزدیک به دو برابر ایران است که از راه تکنولوژی، صادرات ماشین های صنعتی، اتومبیل های مرغوب، ابزارهای صنعتی و محصولات با کیفیت و پیشرفته به دست می آورد.

دولت سوئد مالیات بالایی از شهروندانش دریافت میکند، ولی با هزینه کردن آن در بخش رفاه اجتماعی، جامعه را متعادل کرده و از آن طریق امکانات و رفاه اجتماعی را در دسترس همگان قرار داده است. فقر تقریباً ریشه کن شده است. در ایران ۱۴,۷٪ از تولید ناخالص ملی صرف رفاه میشود. در حالیکه در سوئد ۵۳,۸٪ (یعنی تقریباً ۴ برابر بیشتر از ایران) بودجه صرف رفاه می شود.

در ایران به طور متوسط برای هر نفر در سال ۰,۰۷ دلار هزینه بهداشت و درمان میشود. این درحالیست که در سوئد به طور متوسط ۱۷۰۰ دلار برای هر نفر هزینه میشود. یعنی بیش از ۲۴ هزار برابر ایران.

۳۰٪ از جمعیت ایران فاقد بیمه بازنشستگی هستند در حالیکه در سوئد تمام افراد جامعه از بیمه بازنشستگی و در صورت نیاز از کمک هزینه اجاره نیز بهره مند هستند. این تفاوت های بزرگ و چشمگیر در تمام موارد دیگر در حوزه رفاه اجتماعی دیده میشود. تنها موردی که ایران بودجه بیشتری از سوئد هزینه میکند مربوط به هزینه های نظامی است که به بیش از ۲۰ میلیارد دلار میرسد، در حالی که بودجه امور نظامی سوئد ۷,۶ میلیارد دلار است. تفاوت ها در زمینه شاخص های فساد، حقوق شهروندی و ثبات سیاسی نیز خیره کننده است. همین آمارها کافی است تا تفاوت دولت رفاه را با دولت ظلم و فساد تشخیص دهیم.

اینها همگی ریشه در مدیریت، نوع سیاست گذاری و اولویت های حکومت ها دارد. همچنین همین قوانین حقوق شهروندی و رفاه تعیین کننده میزان فساد یا آزادی در جامعه هستند. هر چقدر دموکراسی نهادینه تر شده باشد، خطر و ریسک فساد و ظلم کمتر است. این درحالیست که صاحبان قدرت در ایران به هیچ نهاد و ارگانی پاسخگو نیستند و هر سئوالی با خطر زندان و مرگ روبرو می شود.

نگاه ژرف تر به نموده های دموکراسی، سوسیال دموکراسی و رفاه در سوئد و ایران موضوعی بسیار گسترده و زمان بر است ولی در چارچوب این مقاله نمی گنجد. آن چه که برای ما ایرانی ها امروز مهم است، بهره گرفتن و درس آموزی از این تجارب ارزشمند با هدف جهت گیری درست در سیاست های پیش روی و ارزیابی و تحلیل درست از گذشته است. در قسمت بعدی درس آموزی های مهم و کلیدی به شکل خلاصه جمع بندی می شود.

آنچه که ما باید از سوئد بیاموزیم

بازگو کردن وقایع تاریخی سوئد همگی به این قصد بود که تجارب ارزشمند این کشور برای کنش‌گران سیاسی و مدنی مورد استفاده قرار گرفته و راه پیشرفت و تعالی آینده را هموار سازد. اینک در ادامه به نکات مهمی که به نظر نگارنده برای شرایط امروز ایران ارزشمند است می‌پردازیم. ولی یقین دارم که ذهن‌های آگاه خوانندگان می‌تواند دهها نکته ارزشمند دیگر را بیابد و آن را پردازش کند. امیدوارم این موارد نیز برای استفاده همگان به اشتراک گذاشته شوند.

۱- دمکراسی، قدرت پارلمان و نهاد پادشاهی

نیروهای سیاسی در تعامل و گاهی در چالش و تضاد با نهاد پادشاهی به تدریج در ساختار و هرم قدرت تغییر ایجاد کردند. قدرتی که به صورت فردی در دست پادشاه متمرکز بود، جای خود را به نهادهای منتخب مردم داد و از فردیت شاه خارج شد. نهادینه شدن قدرت به شکل دمکراتیک و ساختارمند شدن قدرت در پارلمان منتخب مردم، نه تنها تصمیم‌گیری را به شکل دمکراتیک به نماینده‌های مردم واگذار کرد، بلکه ابزاری برای انعکاس نیازها و خواسته‌های مردم در کشور گردید. این ساختار باعث پیشرفت، ثبات سیاسی، آرامش و حفظ یکپارچگی جامعه، شکوفایی اقتصادی و توسعه و رفاه عمومی شد. در عین اینکه سامانه پادشاهی حفظ شد و تا امروز نیز ادامه دارد.

در زمان شاه روند دمکراسی بر خلاف مسیر سوئد اتفاق افتاد. شاه ایران در عرصه اجتماعی و اقتصادی، گام‌های قابل توجه و میهن‌دوستانه‌ای برداشت. بسیاری از پروژه‌های شاه با گرایش لیبرالیسم اجتماعی و حتی بسیاری از جنس سوسیال دمکراسی بودند. برنامه اصلاحات ارضی، تحصیلات رایگان، تغذیه رایگان در مدارس، سهام کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، خانه‌سازی برای کارگرانی که در صنایع بزرگ کار می‌کردند، توسعه اقتصادی و علمی و امثال اینها از پروژه‌های چشمگیر در زمان شاه است. ولی اشکال اساسی آنجا بود که شاه در حوزه سیاسی مسیری خلاف سوئد و برخلاف سایر حکومت‌های پادشاهی باثبات و موفق را پیش گرفت. یعنی به جای ایجاد و تقویت تدریجی نهادهای مدنی و حزبی، تقویت پارلمان و واگذاری قدرت به مجلس، توسعه دمکراسی و تسهیل روند انتخاب نمایندگان مردمی، قدرت خود و دربار را در طول چند دهه سلطنت هر سال بیشتر و بیشتر کرد و نفوذش ورای مجلس و قانون قرار گرفت. تا جایی که حتی گاهی انتشار یا عدم انتشار مقاله‌ای در روزنامه‌های سراسری به دستور شاه انجام می‌شد. رد یا تایید یک قانون با دخالت شاه بود، بودجه و میزان اختصاص آن به ارگان‌های مختلف با دستور شاه بود و مجلس در این زمینه به شکل فرمایشی عمل می‌کرد. (رجوع کنید به

خاطرات پرویز ثابتی و اسدالله علم). احزابی که قبلاً آزاد بودند و حتی در مجلس نماینده داشتند همگی ممنوع و رهبران آن زندانی شدند. این روند به تضعیف نهادهای مدنی و مردمی انجامید و جامعه را در مقابل تنها صاحب قدرت یعنی شاه قرار داد. در سال ۵۷ شاه ایران تنها ماند و آنها که در سیستم فردی دربار تنها میتوانستند مجیز بگویند، او را رها کردند و شاه به شکلی حزین و اندوهناک کشور را ترک کرد و فاجعه فروپاشی نظام و دریده شدن شیرازه کشور رقم خورد. مجیز‌گویی و ارائه‌ی گزارش‌های غیر واقعی که مورد پسند شاه بودند، به جای انتقال واقعیات به فاجعه انجامید. (برای کسب اطلاعات دقیق‌تر به خاطرات اسدالله علم و خاطرات مکتوب و مصاحبه‌های شفاهی پرویز ثابتی رجوع کنید).

متأسفانه امروز نیز بسیاری از هواداران سامانه پادشاهی و مشروطیت از تحلیل عمیق و منطقی انقلاب ۵۷ دوری جسته و به جای تحلیل علمی در سطح گیر کرده‌اند. گروهی دیگر بر این باور شده‌اند که دموکراسی برای ایران مانند سم است و انتقادشان به شاه این است که باید به پرویز ثابتی اجازه می‌داد تا مانند پینوشه سرکوب خونین می‌کرد (پینوشه - *Augusto José Ramón Pinochet Ugarte*، دیکتاتور شیلی که با کودتای نظامی و قتل عام، قدرت سیاسی را به دست گرفت و از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ در قدرت ماند. او در سال ۲۰۰۶ و در سن ۹۱ سالگی درگذشت). موافقین سرکوب خونین و گسترده معترضین سال ۵۷ در ایران به این سؤال که چرا انقلاب ایران در طول دو سال فروکش نکرد و بخش عمده جامعه را در بر گرفت جواب نمی‌دهند. آنها یا ۵۷ی‌ها را "احمق" و مقصر می‌نامند یا گروه‌های بسیار کوچکی را مقصر می‌نامند که اعضایشان از صد نفر هم تجاوز نمی‌کرد. آقای ثابتی ادعا می‌کند در سال ۵۵ همه گروه‌ها کاملاً ریشه کن شده بودند و ایران به جزیره ثبات تبدیل شده بود. این در تناقض با ادعای پادشاهی خواهانی است که گناه انقلاب ۵۷ را به گردن همان گروه‌های "ریشه‌کن شده" می‌اندازد و چشمش را بر اثرات منفی انحصار قدرت شاه می‌بندد. افراد مهم و مدیران ارشدی در نظام شاهنشاهی ایران بودند که با تحلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی از چندین سال قبل وقوع یک انقلاب را پیش بینی می‌کردند. حتی در این مورد تحلیل و گزارش‌هایشان را به شاه ارسال کرده بودند، ولی نظام فردی این هشدارها را نادیده گرفت و زمانی آن را فهمید که دیگر دیر شده بود. (برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به تاریخ شفاهی ایران، دانشگاه هاروارد، جلد هفدهم، صفحه ۱۷۶، مصاحبه با علیرضا مقدم. همچنین در همان مجموعه مصاحبه با مهدی سمیعی، بهمن آبادیان و خداداد فرمانفرمائیان).

کسانی که انتقادشان به گذشته این است که چرا شاه کم سرکوب کرد و او باید دست ماشین سرکوب ساواک را کاملاً باز می‌گذاشت، در واقع همان نسخه‌ای را برای آینده ایران تجویز می‌کنند که قبلاً به انقلاب فاجعه بار ۵۷ انجامیده بود. این تفکر برای آینده ایران هم هیچ ابایی در سرکوب و کشتار ندارد و به این جهت تفکری خطرناک، ضد دموکراتیک و خلاف مسیر و تجارب موفق تاریخ است. این با شرایط ایران متکثر و متنوع نیز هیچگونه هم خوانی ندارد.

چنین نسخه‌های عقب مانده و از تاریخ مصرف گذشته حتی در تضاد با دیدگاه فکری آقای رضا پهلوی نیز قرار دارد که چارچوب فکری خود را در لیرالیسم، سکولاریسم، سیستم محوری، نهادی، حقوق بشری و حفظ تمامیت ارضی خلاصه می‌کند.

۲- فرهنگ رواداری، تعامل و مذاکره

مذاکره و تعامل در فرهنگ ما جای چندانی هنوز باز نکرده است. اگر در زمان ساسانیان شاه ایران با مامور فرستاده مسلمانان عرب مذاکره می‌کرد و قبل از تمسخر و تحقیر آنها بررسی واقع بینانه‌ای از اوضاع می‌کرد، سرنوشت امروز ما کاملاً متفاوت بود. اگر شاه وقت ایران (خوارزم شاه) پیک چنگیزخان مغول را به قتل نمی‌رساند، عاقلانه فکر می‌کرد، قدرت دو طرف را محاسبه می‌کرد و تصمیمی بر پایه عقلانیت و حفظ منافع ملی ایران می‌گرفت، سرنوشت ما امروز به گونه‌ای دیگر بود. اگر شاه و مصدق یکدیگر را نفی نمی‌کردند و به مذاکره و به راهکاری منطقی می‌رسیدند، بدون شک این همه بلا بر سر کشور ما نمی‌آمد. اگر شاه هشدارهای مدیران ارشد نظام را درست شنیده بود و انقلاب ایران را زودتر می‌دید و قدرت را با حفظ سیستم پادشاهی با نمایندگان واقعی مردم به اشتراک می‌گذاشت، شیرازه کشور از هم دریده نمی‌شد. به همین ترتیب همین فرهنگ گریز از مذاکره و گریز از مدارا و رواداری بین اپوزیسیون و در طول سال‌های پس از انقلاب ادامه یافته است و ضربات جبران ناپذیری به منافع ملی ایرانیان وارد کرده است. این در حالیست که تاریخ سوئد نشان میدهد که چگونه مذاکره، مدارا و رواداری و تعامل باعث پیشرفت، رفاه و حتی ثبات اجتماعی و سیاسی شد و کشور را بدون بحرانی جدی به سمت مدرنیسم هدایت کرد.

جریان‌های فکری و سیاسی که پادشاهی خواهان آنها را خائن و وطن فروش نامیده و از قتل و اعدام آنها در پیش و پس از انقلاب دفاع می‌کنند در واقع تفاوتی با همان سوسیال دمکرات‌ها، چپ‌ها و چپ‌های لیبرال یا گاهی میانه‌روهای سوئدی ندارند. اینها مدل وطنی از همان جنس هستند. انحصار طلبی، دفاع از خشونت و سرکوب و آرزوی مرگ دگران‌دیشان در شان جامعه سیاسی پر تجربه ایران نیست.

بررسی تاریخ سوئد همچنین نشانگر این واقعیت ارزشمند است که گروه‌ها و فعالان سیاسی و صنفی نیز از سوی دیگر، نتیجه‌گرا بوده و با شعارهای غیرواقعی فقط به دنبال کسب قدرت سیاسی آن هم به شکل انحصاری نبوده‌اند. فعالیت‌های سیاسی در این فضا به تغییرات تدریجی، بهبود شرایط و ثبات سیاسی ختم شده است. هرگونه رویکرد دیگری میتواند به شورش و انقلاب و پاره شدن شیرازه کشور بیانجامد. فعالان سوسیال دمکرات سوئد این هوشمندی را حدود ۱۴۰ سال پیش از خود نشان دادند.

در طول قرن گذشته هیچ انقلابی در جهان به نتایج مطلوبی نرسیده است. همه‌ی انقلاب‌ها به دیکتاتوری، کشتار، تخریب اوضاع اقتصادی و اجتماعی و درگیری و جنگ‌های درونی و با همسایگان ختم شده است (منبع: *Revolution and Dictatorship* اثر Steven Levitsky و *Lucan Way*) اطلاعات دقیق و ارزنده‌ای مبتنی بر تحقیقات در این زمینه به دست می‌دهد. البته اگر انقلاب به جامعه‌ای تحمیل شود بحث دیگری است. همانطور که انقلاب ۵۷ از هر دو سوی رژیم و اپوزیسیون به جامعه ایران تحمیل شد و تبدیل به روندی ناگزیر و برگشت ناپذیر گردید. در اولین کنگره سوسیال دمکرات‌های سوئد که منجر به تاسیس حزب سوسیال دمکرات شد، گفته شده است که این حزب خواهان اعمال خشونت و انقلاب نیست. ولی اگر انقلاب به آنها تحمیل شود، باید با کسب آمادگی بتوان نتیجه مطلوب را به دست آورد. (منبع: صفحه ۱۰۶ کتاب *Arbetarrörelsens genombrott*)

۳- راهکارهای مفید اجتماعی یا کسب انحصاری قدرت؟

همان گونه که مشاهده کردیم، تاریخ فعالیت‌های سیاسی و صنفی در سوئد بر سر مسائل ملموس و روزمره مردم و جامعه بوده است. تاریخچه‌ی نهادها و احزاب در سوئد پر از موارد همکاری، مصالحه، سازش و رواداری به نفع پیشرفت و منافع کل جامعه است. بدین جهت حزب سوسیال دمکرات سوئد و سازمانهای سراسری کارگری و کارمندی در بین مردم جا باز کرده و کاملاً معنا و محتوای ملموس یافته‌اند. بررسی تاریخ سوئد نشان می‌دهد که بحث‌های انتزاعی و تئوریک بر اقدام‌های عملی و نتیجه‌گرایی غالب نبوده است. این در حالیست که بخش عمده انرژی و وقت نیروهای فعال سیاسی ایران به بحث‌های انتزاعی و تخیلی یا به نقد و درگیری با یکدیگر ختم می‌شود و منافع گروهی بر منافع ملی غلبه می‌کند. در فرهنگ فعالان سیاسی ایران امروز هنوز کاملاً جا نیفتاده است که پذیرش یا همکاری با دگراندیش به معنی پذیرش و همکاری با افراد یا جریانی است که نظر متفاوتی از ما دارند، ولی هدف نهایی منافع ملی همگان است!

به عبارت دیگر اگر فردی یا جریانی تحمل شنیدن نظر و دیدگاه متفاوتی را ندارد، نسخه‌ی شکست خورده‌ی سرکوب، انحصار قدرت، فساد و دیکتاتوری را می‌پسندد.

۴- اهمیت نهادهای صنفی، مدنی و احزاب سیاسی

اگر در سوئد نهادهای مدنی و سیاسی نبودند، هیچگاه هیچ دست‌آوردی به دست نمی‌آمد. قدرت حاکم، شاهان و دربار، مالکان بزرگ و صاحبان قدرت همیشه به طور جدی و در حد جنگ و کشتار در مقابل آزادی، عدالت و رفاه عمومی ایستاده بودند. تنها و تنها مبارزات صنفی

و سیاسی و ایجاد تشکل ها و نهادهای مدنی و سیاسی و همکاری‌های سیاسی بر روی نقاط اشتراک، عامل و اهرم تغییر بوده است. این نهادها سه نقش کلیدی را داشتند. اول **رهبری**، دوم **سازماندهی حرکات مطالباتی** مردم و سوم، **ادامه‌کاری و پاسداری از دستاوردها و به ژرفا بردن دستاوردها.**

یکی از نقاط ضعف جنبش اعتراضی مردم ایران درست همین است و رژیم نیز تمام تلاشش را برای فراهم نشدن چنین شرایطی به کار می‌گیرد. این نقطه ضعف باید با هوشمندی و همکاری جریان‌های فعال سیاسی جبران شود. ولی انحصارگرایی چپ افراطی و راست افراطی اکنون از مهمترین عوامل بازدارنده این نیاز مبرم هستند.

۵-سازندگی، عمل و نتیجه‌گرایی

فرهنگ پذیرش رقبای سیاسی و تنوع فکری به جای حذف رقیب و دگراندیش یکی دیگر از مهمترین ویژگی‌ها و عوامل پیشرفت سوئد بوده است. اکنون دهه‌هاست که طیفی از احزاب چپ، میانه، راست و حتی ماورا راست در کنار هم در پارلمان سوئد حضور دارند و به رغم اختلاف‌های جدیشان در پاسداری از دموکراسی، رفاه و توسعه این کشور مذاکره و همکاری می‌کنند، حتی به صورت موردی و موقت.

این روزها در سپهر سیاسی ایران آن قدر که وقت و انرژی صرف نقد کردن و رد کردن و درگیری با گرایش‌های گوناگون سیاسی می‌شود، به مسائل کلیدی و ارائه راهکارها نمی‌انجامد. این دور باطل ائتلاف زمان و انرژی، تبعات بسیار خطرناکی برای آینده ایران در بر دارد.

ما باید همانند سوئد بتوانیم فرهنگ رواداری را با نتیجه‌گرایی ملموس ادغام کرده و پیش‌شرط‌های ایرانی آزاد، مدرن و مرفه را از امروز پایه‌ریزی کنیم. این پیش‌شرط‌ها در عمل و رفتار سیاسی امروز ما خود را نشان می‌دهد. خوشبختانه جنبش زن، زندگی، آزادی نشان داد که نسل جدید ایران آمادگی، هوشمندی، بلوغ و درک پذیرش دموکراسی و رواداری را دارد. نگارنده امیدوار است که جریان‌های سیاسی به ویژه چپ و راست‌های افراطی با درک شرایط موجود از پیچیدن نسخه‌های خشونت، سرکوب و تبلیغ لزوم اعمال دیکتاتوری در گذشته و فردای ایران پرهیز جسته و با بهره‌گیری از تجارب موفق دیگران و نقد صادقانه خود در مسیر منافع ملی ایران قرار گیرند.

لطفا نظرات و نقد خود را به آدرس زیر ایمیل کنید:

biamoozim@proton.me

(۱) پیوست ها

- انجمن صنفی چاپگران استکهلم: ۱۸۴۹ (اولین اتحادیه صنفی ثبت شده)
- انجمن صنفی نجاران استکهلم: ۱۸۸۰ (اولین اتحادیه به شکل مدرن امروزی که منجر به شکل گیری چندین اتحادیه دیگر از جمله رنگرزان، کفاش ها، خیاط ها، کارگران فلز کار شد.)
- اتحادیه کارگران نساجی اسکونه (**Skåne** منطقه ای در جنوب سوئد): ۱۸۶۳ (اولین در صنعت نساجی)
- اتحادیه کارگران راه آهن سوئد: ۱۸۶۶ (اولین اتحادیه سراسری)
- اتحادیه کارگران بنادر سوئد: ۱۸۷۲
- کنفدراسیون کارگران سوئد: ۱۸۹۸
- اتحادیه صنعتی سوئد: ۱۸۸۸
- اتحادیه برقکاران سوئد: ۱۹۰۱
- انجمن صنفی معلمان مرد استکهلم: ۱۸۴۲ (اولین اتحادیه معلمان)
- اتحادیه معلمان سوئد: ۱۹۰۴
- انجمن صنفی معلمان زن استکهلم: ۱۸۶۱
- انجمن صنفی کارمندان دولت: ۱۸۷۳
- انجمن صنفی کارمندان بانک: ۱۸۸۹

فهرست منابع

نام منابع سوئدی با ترجمه انگلیسی در زیر هر عنوان در پرانتز درج شده است.

1. **Arbetarrörelsens Genombrott 1845-1902**, Peter Sundborg
(*The Breakthrough of the Labour 1845-1902*), printed by Vulkan Riga, (Sweden, 2023)
2. **Den Osunda Staden**, Sören Edvinsson
(*The Unhealthy City of Sweden*), Department of History, Umeå University Umeå (Sweden, 1992). Distributed by Almqvist & Wiksell International
3. **The History of Literacy in Sweden**, Egil Johansson
Educational reports Umeå no 12, (Sweden, 1977), Published by Umeå university and Umeå school of education.
4. **Revolution and dictatorship**, Steven Levitsky and Lucan Way,
published by Princeton University Press, (New Jersey, USA, 2022), Princeton & Oxford
5. **Den sociala demokratin**, Christer Persson
(*The Social Democracy*), published by Skåne branch of the Social Democratic Party, Printed by Mezzo Media AB, (Malmö, 2023)
6. **Sverige före och efter social demokratin**, Lund Universitet, Therborn, Göran;
Kjellberg, Anders; Marklund, Staffan; Öhlund, Ulf
(*Sweden before and after social democracy*), Lund University, (Lund 1979)
7. **Klass i Sverige : ojämlikheten, makten och politiken i det 21:a
århundradet**, Göran Therborn
(*Class in Sweden: Inequality, Power and Politics in the 21st Century*) published
by Arkiv Press, (Sweden, 2021)
8. **Statistikmyndigheten**, www.scb.se
(*Central Bureau of Statistics of Sweden*)
9. **www.riksdagen.se**
(*The official website of Swedish Parliament*)
10. یادداشتهای علم، انتشارات کتابسرا، ۱۳۹۰
11. در دامگه حادثه، گفتگوی پرویز ثابتی با عرفان قانعی فرد، شرکت کتاب در آمریکا سال ۲۰۱۲
12. عدم تمرکز قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ساختار گردانندگی کشور سوئد،
احد قربانی دهناری، (سوئد ۲۰۲۴)